

مناطق چهارگانه محیط زیست و چالش‌های مالکیت و حقوق مالکانه

مسعود منصور^۱، ایرج حسینی صدرآبادی^{۲*} و داریوش کریمی^۳

(۱) دانشجوی دکتری رشته حقوق محیط زیست، دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
(۲) استادیار گروه حقوق، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران. *رایانامه نویسنده مسئول مکاتبات: Iraj.sadrabadi@gmail.com
(۳) استادیار گروه حقوق محیط زیست، دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۳۰

چکیده

مستند به قانون شکار و صید، قانون حفاظت و به‌سازی محیط زیست، کنوانسیون‌ها و مقررات اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت، بخش‌هایی از کشور به‌عنوان مناطق چهارگانه محیط زیست (پارک ملی، اثر طبیعی ملی، منطقه حفاظت شده و پناهگاه حیات وحش) تعیین می‌شوند. تا پایان سال ۱۴۰۰ در مجموع ۳۰۹ منطقه با مساحت ۱۸/۹ میلیون هکتار به‌عنوان مناطق چهارگانه تصویب شد. این عرصه‌ها تا قبل از تعیین و تصویب، علی‌القاعده در حوزه مالکیت عمومی (انفال)، دولتی، خصوصی یا ترکیبی از آنها قرار داشته و با استفاده از حقوق مالکانه با کاربری مشخصی تحت بهره‌برداری قرار داشته‌اند. در پژوهش حاضر ضمن بررسی تاثیر تعیین مناطق چهارگانه بر مالکیت و اسناد آن و نیز حقوق مالکانه و بهره‌برداری از آنها، به بررسی کفایت یا عدم کفایت مقررات موجود پرداخته شد و برخی مقررات که نیاز به اصلاح یا تکمیل داشت و لازم بود دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط فرآیند تصویب آنها را حسب مورد از طریق مجلس شورای اسلامی یا هیات وزیران پیگیری نمایند، بدین شرح پیشنهاد شد: الحاق دو تبصره به مواد ۲ تا ۵ و نیز یک تبصره به ماده ۱۲ آیین‌نامه اجرایی قانون حفاظت و به‌سازی محیط زیست؛ الحاق یک تبصره به ماده ۶ قانون اخیرالذکر؛ الحاق یک تبصره به ماده ۹ قانون حدنگار و اصلاح تبصره ۴ ماده ۳۱ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع. در نهایت نتیجه پژوهش نشان داد در صورت اعمال این پیشنهادهای، ابهامات و چالش‌های مربوط به اخذ اسناد مالکیت منابع طبیعی واقع در مناطق چهارگانه و نظام بهره‌برداری از آن به همراه مشکلات فی‌مابین دو سازمان حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی و آبخیزداری در خصوص اقدامات قضایی و اداری به ویژه مسایل مرتبط با خسارات ناشی از طرح‌های عمومی و عمرانی در محدوده مناطق مذکور، مرتفع خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: اصلاح مقررات، بهره‌برداری، مالکیت و حقوق مالکانه، مناطق چهارگانه محیط زیست.

مقدمه

حیات را فرا گرفته است. از سوی دیگر محیط زیست در دو مفهوم به‌کار می‌رود. یکی مفهومی است که از علوم طبیعت ناشی می‌شود و در آن با جوامع انسانی با بینش اکولوژیک برخورد می‌شود و در مفهوم دوم محیط زیست از علوم معماری و شهرسازی ناشی می‌شود و در رابطه با تعاملی است که بین ساختمان و محیطی که در آن ایجاد می‌شود، قابل بیان است (تقی‌زاده، ۱۳۹۷). برخی دیگر محیط زیست را اینگونه تعریف نموده‌اند: «مجموعه شرایط و عوامل خارجی مؤثر بر زیست، رشد و نمو و سلامتی انسان و سایر جانداران و گیاهان. «محیط زیست مجموعه پدیده‌هایی است که انسان و

محیط زیست «هوا، خاک، آب، گیاه، جنگل، بی‌شبه، مرتع، دریا، دریاچه، رودخانه، چشمه، آبزیان، حیوانات، کوه، دشت، جلگه، کویر، شهر و ده» تعریف شده است (کیس و همکاران، ۱۳۹۲). در اکثر فرهنگ لغات عبارت محیط زیست به دو بخش مجزا محیط و زیست تقسیم شده است. (۱) محیط به معنی آنچه بخش، ناحیه یا موقعیتی را احاطه می‌کند، است و به عبارت دیگر احاطه کردن و نتیجه آن می‌باشد. (۲) زیست یعنی آنچه شخص برای زنده ماندن نیاز دارد. به عبارت دیگر زیست را می‌توان مجموعه‌ای از عوامل دانست که زندگی و

سایر موجودات را احاطه کرده و با یکدیگر در کنش متقابل می‌باشند (مشهدی، ۱۳۸۹).

با توجه به توضیحات فوق، مفهوم محیط زیست چه از نظر لغوی و چه به لحاظ واقعیت آن، در برگیرنده کل فضای حیات در کره خاکی است یعنی این محیط زیست است که در درون خود، سایر محیط‌ها را جای داده است. بنابراین مقوله محیط زیست، مقوله حیات و ممت انسان و سایر جانداران است که برای ادامه حیات و زیستن باید عوامل موثر بر رشد و نمو و سلامتی موجودات زنده را حفظ نموده و منظور از این امر همان حفظ محیط زیست است.

علاوه بر ضرورت‌های منطقی برای حفظ محیط زیست، تعالیم آسمانی و به خصوص دین مبین اسلام نیز بر این مهم تاکیدات فراوانی دارد. به‌طور تقریب حدود ۱۰۰۰ آیه از قرآن مجید به نوعی بر مفهوم طبیعت، منابع طبیعی و محیط زیست اشاره و تاکید دارد. آیه ۵۳ سوره مبارکه طه برای توجه به این اهمیت کفایت دارد^۱. همچنین در اصل ۵۰ قانون اساسی^۲ اهمیت حفظ محیط زیست در عالی‌ترین و ممتازترین قانون کشور مورد تاکید قرار گرفته است، از سوی دیگر منابع طبیعی عبارت است از منابعی که دست بشر در ایجاد آن دخالت نداشته و به دو دسته تجدیدشونده و غیرتجدیدشونده تقسیم می‌شوند. در این نوشتار، موضوع منابع طبیعی تجدیدشونده یعنی آن دسته از منابع طبیعی‌ای که در صورتی که بر اساس اصول علمی و فنی، درست بهره‌برداری و استفاده شوند، امکان تجدید حیات و زادآوری طبیعی دارند و پایان‌پذیر نمی‌باشند، مد نظر می‌باشند. جنگل‌ها، مراتع و آب‌ها از جمله مهم‌ترین منابع طبیعی تجدیدپذیر هستند. در اصل ۴۵ قانون اساسی^۳ ضمن برشمردن برخی از مهمترین منابع طبیعی تجدیدشونده، آنها را به‌عنوان انفال و مشترکات و ثروت عمومی قلمداد نموده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت قانون ممتاز کشور نیز بر اهمیت این منابع به عنوان ثروت بین‌نسلی و ثروت عمومی تاکید نموده است.

مطابق آنچه در تعریف و مفهوم محیط زیست اشاره شد،

جنگل، مرتع، بیشه‌زار، آب و خاک را می‌توان از جمله مهم‌ترین عوامل حفظ محیط زیست و تحقق شرایط زیستن و حیات در کره خاکی برشمرد که برای حفظ محیط زیست، یکی از اساسی‌ترین اقدامات، حفظ منابع طبیعی تجدیدشونده و به ویژه آب، خاک و پوشش گیاهی است. در این راستا باید متذکر شد که ایران در منطقه خشک و نیمه‌خشک قرار گرفته و میزان بارندگی آن حدود یک‌سوم متوسط جهانی و میزان تبخیر آن از متوسط جهانی بیشتر است. از بین رفتن خاک حاصلخیز ناشی از فرسایش‌های آبی و بادی، موضوع مهم دیگری است که منابع طبیعی تجدیدشونده و منابع آب و خاک کشور را تهدید می‌کند. مطالعات نشان می‌دهد ایران سالانه با ۱۷ تن در هکتار فرسایش آبی مواجه است و این عدد در فرسایش بادی به بیش از ۲۱ تن در هکتار سالانه می‌رسد. مراتع در حال فقیر شدن و جنگل‌های کشور نیز با تهدیدهایی از جمله پدیده تغییر اقلیم و آفات و بیماری‌ها، قاچاق چوب و قطع درختان برای تولید زغال مواجه هستند (عرب‌خدری و همکاران، ۱۳۹۷). به هر صورت پهنه کشور در حال حاضر و برابر اعلام سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور حدود ۱۴ میلیون هکتار جنگل، بیش از ۸۰ میلیون هکتار مرتع، حدود ۴/۵ میلیون هکتار بیشه‌زار و اراضی جنگلی و در نهایت قریب ۳۲ میلیون هکتار را اراضی بیابانی تشکیل می‌دهد (سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، ۱۳۹۹). وضعیت فوق حفظ و احیا جنگل‌ها و مراتع و نیز جلوگیری از روند بیابان‌زایی را که در نهایت به حفظ محیط زیست می‌انجامد، ضرورتی مضاعف می‌بخشد.

مواد و روش‌ها

روش پژوهش در نوشتار حاضر روش تحلیلی-توصیفی است که گاهی به فراخور نیاز، مطالعه تطبیقی نیز صورت پذیرفته است. در جمع‌آوری منابع و داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و مطالعه کتب، مقالات، فصلنامه‌های مرتبط و سایت‌های علمی استفاده و از روش‌های میدانی و مصاحبه با اشخاص بهره‌برداری نشده است.

۱- آیه ۵۳ سوره مبارکه طه: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَشْجَارًا مِّنْ ثَبَاتٍ شَتَّىٰ ۗ هَٰذَا خَدَايُكَ بِمَا تَكْفُرُ» همان خدایی که زمین را آسایشگاه شما قرار داد و در آن راه‌ها برای شما پدید آورد و هم از آسمان آب نازل کرد تا به آن آب آسمانی، انواع نباتات مختلف از زمین برویانیدیم.

۲- اصل ۵۰ قانون اساسی: در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.

۳- اصل ۴۵ قانون اساسی: انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رهاشده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی و مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.

نتایج

مناطق چهارگانه، مبانی و نگاهی به آخرین وضعیت آن در

ایران

به لحاظ حقوقی و مقررات، اولین ردپای مناطق چهارگانه را باید در قانون شکار ایران مصوب ۱۳۳۵ که بر آن اساس شورای شکار ایران پدید آمد، جستجو نمود. در آن زمان با توجه به وسعت کشور و بودجه‌های محدودی که در اختیار شورای مذکور قرار می‌گرفت، تشخیص داده می‌شد اگر عمده منابع اعتباری به مناطقی تخصیص داده شود که به لحاظ بوم‌شناختی اهمیت ویژه‌ای دارند، موجب موفقیت بیشتر در حفاظت از آن مناطق خواهد شد. بنابراین «نواحی حفاظتی» که بعداً (مناطق حفاظت‌شده) نامیده شد، به وجود آمد. در این مناطق شکار ممنوع بود مگر آنکه مجوز لازم از شورای شکار گرفته شود. ضمن آنکه استفاده از مراتع و جنگل‌های واقع در این مناطق نیز تابع محدودیت‌هایی شد که از سوی شورای شکار و وزارت کشاورزی و منابع طبیعی اعلام می‌شد. پس از آن و با تصویب قانون شکار و صید در سال ۱۳۴۶ و تاسیس سازمان شکاربانی و نظارت بر صید، مفاهیم پارک‌های ملی و مناطق حفاظت‌شده به روشنی تعریف گردید. بر این اساس و تا قبل از تاسیس سازمان حفاظت محیط زیست در سال ۱۳۵۰، حدود ۶ پارک ملی و ۳۵ منطقه حفاظت‌شده شکل گرفت (مجنونیان، ۱۳۷۶).

در نهایت در سال ۱۳۵۳ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست تصویب گردید. در بند الف ماده ۳ این قانون، تصویب و تعیین مناطقی به‌عنوان «پارک ملی»، «آثار طبیعی ملی»، «پناهگاه حیات وحش» و «منطقه حفاظت‌شده» از جمله وظایف شورای عالی محیط زیست بر شمرده شد. در واقع و در قانون شکار و صید ذکر شده بود، به چهار منطقه تعمیم داده شد و از آن زمان مناطق چهارگانه محیط زیست مصطلح گردید. در واقع مناطق چهارگانه عنوانی بود که در بند (الف) ماده (۳) قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست ذکر شده بود و منجر به شکل‌گیری مناطق

چهارگانه در ادبیات حقوق محیط زیست ایران شد.

مناطق چهارگانه محیط زیست به تفکیک در مواد ۲ تا ۵ آیین نامه اجرایی^۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۴ و اصلاحات بعدی آن تعریف شده است. لازم به ذکر است که تا پایان سال ۱۴۰۰، ۳۲ پارک ملی به مساحت ۲۰۷۵۱۱۵ هکتار؛ ۴۰ اثر طبیعی ملی به مساحت ۶۱۳۳۰۲۶ هکتار و ۱۸۳ منطقه حفاظت‌شده به مساحت ۱۰۷۱۴۰۳۵ هکتار به‌عنوان مناطق چهارگانه در ایران تعیین و تصویب شده است، یعنی تا پایان سال ۱۴۰۰ در مجموع ۳۰۹ منطقه به مساحت ۱۸/۹۰۰/۰۰۰ هکتار معادل ۱۱/۵ درصد مساحت کشور تعیین شده و قرار است تا حدود ۱۷ درصد از عرصه کشور بدین منظور گسترش یابد (منصور و همکاران، ۱۴۰۰).

لازم به ذکر است در سال ۱۹۷۸ نخستین راهنما و دستورالعمل طبقه‌بندی مناطق توسط اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت^۲ معرفی و منتشر گردید. اساس این طبقه‌بندی، یکسان‌سازی عناوین و تعیین اهداف مدیریتی مناطق بود که مشتمل بر ۱۰ طبقه می‌باشد. سپس در سال ۱۹۹۴ طبقه‌بندی مذکور بازمینی و سیستم جدیدی در ۶ طبقه به شرح زیر معرفی شد (مجنونیان، ۱۳۷۶): طبقه I: ذخیره‌گاه طبیعت محدود شده/ مناطق بکر و مهار شده؛ طبقه II: پارک‌های ملی؛ طبقه III: آثار یا یادمان‌های طبیعی؛ طبقه IV: مناطق تحت مدیریت برای حفاظت زیستگاه‌ها و گونه‌ها؛ طبقه V: چشم‌اندازهای دریایی و زمینی حفاظت‌شده؛ و طبقه VI: مناطق حفاظت‌شده برای مدیریت منابع.

با ذکر این نکته هر یک از کشورها با مبنا قرار دادن این طبقه‌بندی و در نظر گرفتن میراث طبیعی جهانی که برنامه آن توسط یونسکو با همکاری اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت پیگیری می‌شود و با توجه به شرایط طبیعی و مدیریتی محیط طبیعی کشور خود، طبقات حفاظتی و مخصوص به خود را تعیین می‌نماید. همانگونه که اشاره شد

1- ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست: پارک ملی به محدوده‌ای از منابع طبیعی کشور اعم از جنگل، مرتع، بیشه‌زار و اراضی جنگلی و دشت و آب و کوهستان اطلاق می‌شود که نمایشگر نمونه‌های برجسته‌ای از مظاهر طبیعی ایران باشد و به‌منظور حفظ همیشگی وضع زندگی و طبیعی آن و همچنین ایجاد محیط مناسب برای تکثیر و پرورش جانوران وحشی رشد رستنی‌ها در شرایط کاملاً طبیعی تحت حفاظت قرار می‌گیرد.

ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست: آثار طبیعی ملی عبارتند از پدیده‌های نمونه و نادر گیاهی، حیوانی، اشکال یا مناظر کم نظیر و کیفیت ویژه طبیعی زمین یا درختان کهنسال یادگار تاریخی که به‌منظور داشتن محدوده متناسبی تحت حفاظت قرار می‌گیرد.

ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست: پناهگاه حیات وحش به محدوده‌ای از منابع طبیعی کشور اعم از جنگل، مرتع، بیشه‌های طبیعی و اراضی جنگلی و دشت، آب و کوهستان اطلاق می‌شود که دارای زیستگاه طبیعی نمونه و شرایط اقلیمی خاص برای جانوران وحشی بوده و به‌منظور حفظ یا احیای این زیستگاه‌ها تحت حفاظت قرار می‌گیرند.

ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست: منطقه حفاظت‌شده به محدوده‌ای از منابع طبیعی کشور اعم از جنگل و مرتع و دشت و آب و کوهستان اطلاق می‌شود که از لحاظ ضرورت حفظ و تکثیر نسل جانوران وحشی و یا احیاء رستنی‌ها و وضع طبیعی آن دارای اهمیت خاصی بوده و تحت حفاظت قرار می‌گیرند.

است و در منافع مشترک بشر، نه تنها حقوق نسل‌های حاضر بلکه حقوق نسل‌های آینده را نیز باید مدنظر قرار داد (پورهاشمی و پرندمطلق، ۱۳۹۵). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل ۴۵ مصادیقی از منابع را ذکر و در زمره انفال قرار داده است. در واقع انفال اموال غیرمنقولی است که دولت نمی‌تواند آن را به تملک درآورده بلکه می‌تواند با اعمال مدیریت در آنها و در راستای وظایف حاکمیتی خود در آنها تصرف غیرمالکانه نماید مانند جنگل‌ها، زمین‌های موات و معادن.

از جمله مباحث دیگری که به شناخت مالکیت کمک می‌کند تمیز و تشخیص آن از نهاد‌های مشابه است. شاید مهمترین نهاد حقوقی که احتمال اختلاط آن با مالکیت وجود دارد، تصرف باشد. تصرف در واقع رابطه قدرت، سلطه یا وضعیت عمل موجود میان شخص و شی است، درحالی‌که مالکیت سلطه و قدرت حقوقی بر شی است (صفایی، ۱۳۸۵).

به بیان دیگر تصرف را می‌توان واقعیت نامید حال آنکه مالکیت را نباید حق نامید. به همین جهت است که مقنن از مالکیت بیش از تصرف حمایت می‌کند. در حقوق اموال و مالکیت در ایران، گاهی تصرف به‌عنوان اماره مالکیت است. مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. در برخی موارد نیز تصرف و احیا سبب ایجاد مالکیت می‌شود مانند احیا زمین‌های موات و یا احیا مال مباح بدون مالک. در قانون مدنی ایران تعریف مشخصی از مالکیت نشده است. لیکن آنچه از مفاد قانون مستفاد می‌شود آن است که مفهوم مالکیت، نسبت مالک است با مایملک. در اصطلاح‌شناسی حقوق آمده است که ملک عبارت است از: «اختیار قانونی شخصی بر اشیا، اموال یا اشخاص دیگر» و «رابطه بین مالک و مملوک». در خصوص مفهوم مالکیت نیز حق استعمال و بهره‌برداری و انتقال یک چیز به هر صورت است مگر آنکه قانون استثناء کرده باشد (مواد ۳۰ و ۳۱ قانون مدنی)، ضمن آنکه مستفاد از ماده ۲۹ قانون مدنی، مالکیت هم در مورد عین و هم در مورد منفعت استعمال شده است.

برخی از حقوق‌دانان معتقدند مالکیت حقی است دایمی که به موجب آن شخص می‌تواند در حدود قوانین، تصرف در مالی را به خود اختصاص دهد و از تمام منافع آن استفاده کند

در کشور جمهوری اسلامی ایران نیز بر اساس بند «الف» ماده ۳ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست چهار طبقه شامل پارک ملی، آثار طبیعی ملی، پناهگاه حیات وحش و منطقه حفاظت‌شده مطابق فرآیندی که به اجمال در زیر ارایه می‌شود، تعیین و تصویب گردید:

- انتخاب و پیشنهاد بخشی از پهنه کشور با رعایت تعاریف مندرج در مواد ۲ تا ۵ آیین اجرایی قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست توسط سازمان حفاظت محیط زیست به همراه نقشه دقیق از منطقه مورد نظر با مقیاس مناسب؛
- استعلام از وزارت جهاد کشاورزی و وزارت صمت توسط سازمان حفاظت محیط زیست و نیز رعایت ماده ۲۷ قانون شکار و صید؛
- طرح و تصویب موضوع در شورای عالی محیط زیست؛^۱ و
- آگهی.

مبانی مالکیت، حقوق مالکانه و اسناد مالکیت

اشاره به مفاهیم اموال دولتی، انفال و مشترکات و ثروت‌های عمومی ضروری است. بر اساس ماده ۲ آیین‌نامه اموال دولتی مصوب ۱۳۷۲/۰۴/۲۷ «اموال دولتی^۲ به معنی اخص عبارتند از آنچه از اموال منقول و غیرمنقول که توسط وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی خریداری یا به هر طریق قانونی دیگر به تملک دولت در آمده یا می‌آید» است. دولت در این دسته از اموال، همچون مالک خصوصی قادر است نسبت به آنها اعمال مالکیت نماید، لیکن ثروت‌های عمومی و اموال مشترک، اموال غیرمنقولی هستند که مالک خاص نداشته و نمی‌توانند به تملک کسی درآیند. به عبارت دیگر مورد استفاده عموم بوده و افراد نمی‌توانند این اموال را به گونه‌ای تصرف نمایند که مانع استفاده دیگران شود. مانند میادین، جاده‌ها، پل‌ها و کوچه‌هایی که بن‌بست نیستند. لازم به ذکر است میراث مشترک بشر در حقوق بین‌الملل مفهومی گسترده‌تر از معنی اموال مشترک دارد، زیرا آنچه در میراث مشترک بشر مطرح هست در ارتباط با عموم بشر و در تمام قلمروهای جغرافیایی است. در همین راستا «به دلیل آنکه محیط زیست مربوط به کل بشر است، حفظ محیط زیست در سطح جهانی به‌عنوان منفعت مشترک برای بشریت مطرح شده

1- شورای عالی محیط زیست شورایی است مرکب از رئیس‌جمهور (رئیس شورا)، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست (دبیر شورا)، وزیر کشور، جهاد کشاورزی، صمت، راه و شهرسازی، بهداشت درمان و آموزش پزشکی، رئیس سازمان برنامه بودجه و چهار نفر از اشخاص یا مقامات ذی‌صلاح که به پیشنهاد رئیس سازمان محیط زیست و تصویب رئیس‌جمهور برای مدت سه سال منصوب می‌شوند.

۲- ماده ۲ آیین‌نامه اموال دولتی مصوب ۱۳۷۲/۰۴/۲۷. اموال دولت: «اموالی است که توسط وزارتخانه‌ها، موسسات و یا شرکت‌های دولتی خریداری می‌شود یا به هر طریق قانونی دیگر به تملک دولت درآمده یا درمی‌آیند».

مقررات زیر اشاره نمود:

- ماده ۳۹ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ در خصوص صدور اسناد منابع ملی (جنگل‌ها و مراتع).

- ماده ۹ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی مصوب ۱۳۸۸ در خصوص تثبیت و صدور سند منابع ملی، موات و دولتی.

- ماده ۵۴ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقا نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴ در خصوص صدور و اصلاح اسناد اراضی ملی و صدور اسناد کشاورزی و نیز ماده ۶۹ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ در خصوص مستندسازی و صدور اسناد مالکیت اراضی و املاک تحت استفاده وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی.

- اما موخرترین و شاید مهمترین قانون در خصوص صدور سند در کشور را می‌توان قانون جامع حدنگار کشور، مصوب ۹۳/۱۱/۱۲ نام برد. در این قانون و در فراز اخیر ماده ۳ آن تصریح شده است که «هیچ نقطه‌ای از کشور بدون نقشه و اسناد مالکیت حدنگار نباشد» (محقق و همکاران، ۱۳۹۴).

مقررات مرتبط با حقوق مالکانه و اسناد مالکیت مناطق چهارگانه و ابهامات آن

بدیهی است وقتی پهنه‌ای از کشور به‌عنوان یکی از مناطق چهارگانه تعیین می‌گردد، آن عرصه به لحاظ مالکیت می‌تواند در زمره مالکیت‌های عمومی (انفال) مالکیت‌های دولتی (اموال غیرمنقول دولتی) و یا مالکیت‌های خصوصی و یا ترکیبی از آنها قرار گیرد و نیز قاعدتا تا قبل از تعیین آن به‌عنوان مناطق چهارگانه با کاربری خاص تحت بهره‌برداری قرار داشته باشد. تعیین مناطق چهارگانه بر مالکیت و حق انتفاع و بهره‌برداری چه تاثیری خواهد گذارد، موضوعی است که می‌بایست در مقررات موجود بررسی و کفایت یا عدم کفایت آن مقررات را احصا نمود. در این راستا می‌توان به مواد ۴، ۱۶ و ۱۷ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست^۲ مصوب ۱۳۵۳ اشاره نمود.

(کاتوزیان، ۱۳۹۲). حقوق مالکانه از دو کلمه «حق» و «مالکانه» تشکیل شده است. در تعریف حق گفته شده که حق عبارت است از امتیاز و تولدایی اعطایی از سوی قانون به اشخاص که معمولاً به دو نوع حق مالی و غیرمالی تقسیم می‌شود. برخی علمای حقوق، حق را پدیده‌ای مرکب از قدرت آدمی و اختیار وی در اعمال آن قدرت، تعریف می‌کنند. دومین کلمه مورد استفاده، در اصطلاح فوق «مالکانه» است. حقوق ایجاد شده از زمین یا هر مال منقول و غیرمنقول برای صاحب آن حق را می‌توان حقوق مالکانه نامید. بدیهی است که «حق مالکیت» از کامل‌ترین حقوق عینی متعلق به عین و منفعت است.

در ادامه به سند و اسناد مالکیت به اختصار پرداخته می‌شود. مطابق ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی، سند عبارت است از هر نوشته‌ای که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد، ماده ۱۲۸۶ همان قانون، سند را به دو دسته عادی و رسمی تقسیم و در نهایت در ماده ۱۲۸۷ سند رسمی^۱ را تعریف نموده است. مطابق آنچه در قانون ثبت اسناد و املاک آمده است (مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶) از ابتدای سال ۱۳۱۱ ثبت املاک اجباری شده و سازمان ثبت اسناد و املاک و متصرفین به‌عنوان ملوک و یا قایم‌مقام آنها، مکلف به ثبت کلیه اموال غیرمنقول می‌باشند. امامی (۱۳۲۰) در کتاب «شرح قانون ثبت اسناد و املاک» از طریقه و الزامی که در قانون ۱۳۱۰ برای ثبت ملک آمده است به‌عنوان «ثبت عمومی» تعبیر نموده است. بنابراین از آن تاریخ تا کنون اراضی و املاک اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی که با فرآیندهای ذی‌ربط به ثبت رسیده، منجر به صدور سند گردیده است. اگرچه صدور سند در خصوص اراضی زراعی و باغی و در مجموع اراضی کشاورزی بسیار محدود بوده است. لازم به ذکر است دستگاه‌های دولتی نیز در خصوص اراضی و املاک خود اعم از اموال و انفال حسب مورد و بر اساس مقررات ذی‌ربط فرآیند اخذ سند را پیگیری می‌نمایند. در این راستا به‌طور مشخص می‌توان به

۱- سند رسمی: اسنادی است که در اداره ثبت اسناد و املاک یا در دفاتر اسناد رسمی یا نزد سایر مأمورین رسمی تنظیم شده باشد، مشروط بر آنکه تنظیم‌کننده سند صلاحیت تنظیم سند را داشته و طبق مقررات قانونی تنظیم کرده باشد.

۲- ماده ۴ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست: «هر نوع ممنوعیت و محدودیت و مقرراتی که برای مناطق مذکور در بند «الف» ماده ۳ این قانون برقرار می‌گردد، نباید با حق مالکیت یا حق انتفاع اشخاصی که در داخل این مناطق قانوناً دارا هستند، مغایر باشد.»

ماده ۱۶ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست: «کلیه عرصه و اعیان املاک متعلق به دولت واقع در محدوده مناطق مذکور در بند «الف» ماده ۳ همچنین کلیه تالاب‌های متعلق به دولت در اختیار سازمان قرار خواهد گرفت و سازمان در بهره‌برداری از تالاب‌ها (به استثنای مرداب انزلی) در املاک مذکور قایم مقام قانونی موسسات یا سازمان‌های مربوطه می‌باشد ولی حق واگذاری عین آنها را ندارد.»

ماده ۱۷ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست: «در صورتی که عرصه و اعیان املاک واقع در محدوده مناطق مذکور در بند «الف» ماده ۳ این قانون مورد نیاز باشد سازمان طبق مقررات قانون خرید اراضی، ابنیه و تاسیسات برای حفظ آثار تاریخی و باستانی مصوب آذر ماه ۱۳۴۷ خریداری و تصرف نماید.»

مستفاد از مواد قانونی مذکور می‌توان نتیجه گرفت، اینکه مایملک اشخاص می‌تواند در محدوده مناطق چهارگانه قرار گیرد یا خیر دارای ابهام است. ضمن آنکه در صورت وقوع نیز محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های مناطق چهارگانه نافی مالکیت و حق انتفاع مالکین نمی‌باشد، مگر آنکه مطابق آنچه در ماده ۱۷ تصریح گردید، ملک به تملک سازمان حفاظت محیط زیست درآمده باشد.

از ماده ۱۶ و به ویژه از تبصره یک آن می‌توان نتیجه گرفت که املاک (عرضه و اعیان) متعلق به دولت و از جمله اراضی ملی موضوع قانون ملی شدن جنگل‌ها که در داخل مناطق چهارگانه واقع می‌شوند در اختیار سازمان محیط زیست قرار گرفته و این سازمان قایم‌مقام قانونی دستگاه‌های ذی‌ربط است. لیکن اختیارات و وظایف اصیل (دستگاه اجرایی که قبل از تصویب مناطق چهارگانه متولی آن عرضه و اعیان بوده) چه تغییری خواهد کرد، محل ابهام می‌باشد. به ویژه آنکه در مواد متعددی از قانون شکار و صید، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و آیین‌نامه‌های اجرایی آنها، تکالیف و وظایفی را در خصوص جنگل‌ها و مراتع همچنان برای سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور در صورت وقوع در مناطق چهارگانه قایل شده است. مانند مواد ۲۵، ۲۶، ۲۷ قانون شکار و صید، تبصره ۱ ماده ۱۶ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، مواد ۷ و ۸ تبصره ۲ ماده ۱۱ قانون مذکور و ماده ۴۷ آیین‌نامه اجرایی قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست. بنابراین حداقل در خصوص سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری، هم به استناد موارد مطروحه و هم به لحاظ سازوکارهای فنی آن سازمان در خصوص حفاظت، مدیریت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، می‌توان قایل به استمرار وظایف و اختیارات برای اراضی ملی واقع در مناطق چهارگانه البته با هماهنگی سازمان حفاظت محیط زیست بود.

از جمله موارد دیگری که در خصوص اعمال حقوق مالکانه در مناطق چهارگانه محیط زیست می‌توان به آن اشاره نمود موارد زیر است:

- در تبصره ۴ ماده ۳۱ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، واگذاری اراضی جنگلی جلگه‌ای و مراتع و بیشه‌های طبیعی واقع در مناطق چهارگانه (در متن قانون، پارک وحش و منطقه حفاظت‌شده) ممنوع اعلام شده است.

- صدور پروانه اکتشاف و بهره‌برداری از معادن در مناطق چهارگانه محیط زیست به استناد جز ۳ بند «الف» ماده ۳ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، موکول به موافقت شورای عالی محیط زیست شده است.

- به استناد ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، تعلیف احشام در پارک ملی و آثار طبیعی ملی ممنوع می‌باشد.

- تجدید یا تمدید پروانه‌های اکتشاف و بهره‌برداری صادره برای معادن واقع در پارک‌های ملی و آثار طبیعی ملی مستند به ماده ۹ آیین‌نامه اجرایی قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، ممنوع گردیده است.

در خصوص اسناد مالکیت مناطق چهارگانه محیط زیست، موضوع حایز چالش‌های جدی‌تری است. از یک‌طرف عمده اراضی که به‌عنوان مناطق چهارگانه تعیین شده یا می‌شوند، بنا بر قاعده همان منابعی هستند که سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور در اجرای ماده ۳۹ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع و نیز با عطف توجه به ماده ۹ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی، تثبیت و به نام دولت به نمایندگی سازمان مذکور سند اخذ نموده است که هم مستند به ماده ۲۲ قانون ثبت و همچنین ماده ۳۰ قانون مدنی می‌تواند وظایف و اختیارات قانونی و حقوق مالکانه خود را (به صورت عام) اعمال و هم وظایف مشترکی که با سازمان حفاظت محیط زیست در محدوده مناطق چهارگانه داشته و در قانون شکار و صید و قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست تصریح شده است را اجرا نماید.

از طرف دیگر در هیچ‌کدام از مفاد قانون شکار و صید و قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و آیین‌نامه‌های اجرایی آنها تصریح به ضرورت صدور اسناد مناطق چهارگانه به نام دولت و به نمایندگی سازمان حفاظت محیط زیست اشاره‌ای نشده است. لیکن سازمان مذکور برای اعمال برخی اقدامات قضایی و طرح دعاوی کیفری در مقابله با جرایمی که در قانون شکار و صید و نیز قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست آمده است، برخورداری از سند را ضروری دانسته و البته برخی محاکم نیز پذیرش دعاوی سازمان مذکور به‌خصوص در موضوع تصرف عدوانی و یا قطع رستنی‌ها و تعلیف غیرمجاز دام را موکول به ارایه سند مالکیت عرضه به

دو سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون تهیه نموده و جهت صدور سند مالکیت حدنگار در اختیار سازمان ثبت اسناد و املاک قرار دهند». مفاد این ماده در خصوص صدور سند مناطق چهارگانه که تحت اداره و مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست قرار دارد، ابهامات پیش گفته را مضعف می‌نماید.

بحث و نتیجه‌گیری

قبل از بیان نتیجه‌گیری و پیشنهادها، لازم است این نکته یادآوری گردد که موضوع این پژوهش کاملاً مباحث حقوقی است. بنابراین پیشنهادهایی که ارائه می‌شود نیز می‌بایست به‌عنوان پیشنهاد اصلاح قانون یا آیین‌نامه‌های ذی‌ربط مطرح گردد. بنابراین در خصوص اسناد مالکیت و اعمال حقوق مالکانه در مناطق چهارگانه محیط زیست نتیجه بحث و پیشنهادات اصلاحی به شرح زیر آورده می‌شود:

آنچه به‌عنوان مناطق چهارگانه محیط زیست تعیین شده یا می‌شود عمدتاً اراضی ملی و دولتی است و املاک خصوصی را شامل نمی‌شود. لیکن به‌دلیل آنکه وقوع اراضی کشاورزی و املاک خصوصی نیز به صورت محاط در مناطق چهارگانه محتمل و یا اینکه اعمال حقوق مالکانه و بهره‌برداری از آنها با کاربری قبلی، احتمالاً بر یکپارچگی و مدیریت و حفاظت آن مناطق موثر می‌باشد، لازم است در تعیین مناطق چهارگانه به گونه‌ای اقدام نمود که اراضی غیرملی (منابع طبیعی و دولتی) از شمول محدوده و تعاریف آن مستثنی و یا عنداللزوم با استفاده از ضوابط و اختیارات قانونی به نام دولت تملک و از مالکیت خصوصی خارج شود. بنابراین در این راستا پیشنهاد می‌شود که دو تبصره، به مواد ۲ تا ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست اضافه شود:

- «تبصره ۱ الحاقی»: سازمان حفاظت محیط زیست می‌تواند آن بخش از عرصه‌های کشور که واجد تعاریف مواد ۲ تا ۵ نبوده، لیکن واجد تمام یا بخشی از ویژگی‌های خاصی که در مواد مذکور اشاره شده باشند را حسب مورد به‌عنوان بخشی از پارک ملی، پناهگاه حیات وحش، منطقه حفاظت شده یا آثار طبیعی ملی تعیین و چنانچه تحت مالکیت خصوصی باشند آن را وفق مقررات ذی‌ربط به نام دولت و با حق بهره‌برداری سازمان تملک نماید».

نمایندگی آن سازمان می‌نموند. بنابراین سازمان حفاظت محیط زیست پیگیری‌هایی را برای اخذ سند مناطق چهارگانه به نمایندگی آن سازمان انجام داد. این امر منجر به آن شد که هیات وزیران طی مصوبه ۱۹۶۰ «ت» ۱۳۲۱ هـ - سال ۱۳۸۴ موافقت نمود که سند مناطق چهارگانه به نام سازمان حفاظت محیط زیست و به نمایندگی دولت صادر شود. البته این مصوبه بعد مورد ایراد هیات تطبیق مجلس شورای اسلامی قرار گرفت و ابطال شد. در نهایت هیات وزیران در سال ۱۳۹۴ طی مصوبه ۸۰۰۴۴/ت ۵۲۳۰۶ هـ - سازمان حفاظت محیط زیست را به‌عنوان نماینده دولت در مناطق چهارگانه - بدون آنکه الزامی به صدور سند آن مناطق به نام سازمان مذکور باشد- تعیین نمود.

علاوه بر اقدامات قضایی، اقدامات اداری به‌ویژه در خصوص اجرای طرح مدیریت مناطق چهارگانه و نیز اجرای طرح‌های بهره‌برداری از منابع طبیعی (جنگل‌ها و مراتع) واقع در مناطق چهارگانه به لحاظ مرجع تصویب طرح، نظارت بر اجرای طرح و نیز اخذ حقوق دولتی ناشی از اجرای آن طرح‌ها را می‌توان از جمله چالش‌های دیگری که فی‌مابین سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور وجود داشته برشمرد و بر ضرورت شفاف‌سازی مقررات مربوط اذعان داشت.

این ابهام و چالش‌ها در خصوص موافقت با اجرای طرح‌های عمومی و عمرانی دولت در مناطق چهارگانه و نیز وصول و هزینه خسارات آن (موضوع بند «ب» ماده ۱۲ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی) و همچنین در خصوص خسارت مربوط به اجرای طرح‌های بهره‌برداری احتمالی از معادن واقع در مناطق حفاظت‌شده و پناهگاه‌های حیات وحش نیز وجود داشته و از جمله مواردی است که به نظر می‌رسد مقررات موجود رافع ابهامات ذی‌ربط نباشد.

همچنین با تصویب قانون جامع حدنگار کشور مصوب ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ و آنچه در ماده ۹ آن قانون آمده «کلیه دستگاه‌ها مکلف هستند تمام مستندات و اطلاعات توصیفی املاک متعلق به خود یا تحت اداره خود از جمله مشخصات ثبتی، کاربری، نام بهره‌بردار و نقشه‌های دارای مختصات جغرافیایی املاک مذکور را با رعایت جنبه‌های امنیتی حداکثر ظرف مدت

اقدامات سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور در خصوص جرایم مرتبط با وظایف سازمان اخیرالذکر نمی‌باشد».

- یک تبصره به ماده ۱۲ آیین‌نامه اجرایی قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست الحاق شود: «تبصره: اجرای طرح‌های عمومی و عمرانی دولت در مناطق چهارگانه محیط زیست موکول به موافقت سازمان می‌باشد. لیکن وصول و هزینه‌کرد خسارت وارده موضوع بند «ب» ماده ۱۲ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی از طریق سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری انجام می‌گردد».

- به انتهای تبصره ۴ ماده ۳۱ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، فراز بیان شده اضافه شود: «...اجرای طرح‌های مدیریت منابع طبیعی موضوع ماده ۳ این قانون با هماهنگی و موافقت سازمان محیط زیست و نیز تعیین تکلیف واگذاری‌های انجام شده قبل از وقوع در مناطق چهارگانه محیط زیست، از شمول این تبصره مستثنی می‌باشد». ضمن اینکه پیشنهادهای فوق می‌تواند به وسیله دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط مورد نقد، بررسی و اصلاح و تکمیل قرار گرفته و فرآیند تصویب آنها پیگیری شود.

منابع

امامی، م. س. ح. (۱۳۲۰) شرح قانون ثبت اسناد و املاک. تهران: انتشارات شرکت کانون کتاب. چاپ پنجم، صفحه ۵۲.
پورهاشمی، س. ع. و پرنده‌مطلق، ا. (۱۳۹۵) حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: انتشارات دادگستر، چاپ اول، صفحه ۱۸۷.

تقی‌زاده‌انصاری، م. (۱۳۹۷) حقوق محیط زیست در ایران. چاپ هفتم، تهران: انتشارات سمت، صفحات ۷ و ۸.
سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور. (۱۳۹۹) منابع طبیعی ایران، مساحت و نقشه پوشش گیاهی. بازیابی در تاریخ ۱۴۰۱/۷/۲۲. قابل دسترس در: <http://www.Frw.ir/>.

عرب‌خردی، م. شادفر، ص.، جعفری‌اردکانی، ع.، بیات، ر.، خواجوی، ا. و مهلیان، م. (۱۳۹۷) تحقیق برآورد فرسایش آبی در ایران. نشریه پژوهش‌های آبخیزداری، ۳۱(۱۲۰): ۲۱-۲۱.

صفایی، س. ح. (۱۳۸۵) حقوق مدنی اشخاص و محجورین. تهران: انتشارات سمت، چاپ دوازدهم، صفحه ۱۳.

- «تبصره ۲ الحاقی»: سازمان حفاظت محیط زیست می‌تواند آن بخش از عرصه‌های تحت مالکیت خصوصی که محاط در مناطق چهارگانه بوده، لیکن در شمول تعاریف آن مناطق نباشند را برای حفاظت و مدیریت بهینه آن مناطق، مطابق مقررات ذی‌ربط به نام دولت و با حق بهره‌برداری سازمان تملک نماید.

در خصوص اسناد مالکیت مناطق چهارگانه می‌توان نتیجه گرفت چنانچه اراضی و املاک دولتی (غیرملی) در محدوده مناطق چهارگانه واقع شود، می‌توان با استفاده از ماده ۶۹ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، سند دستگاه ذی‌ربط را به نام دولت به نمایندگی (حق بهره‌برداری) سازمان محیط زیست اصلاح نمود، لیکن در خصوص اراضی ملی (منابع طبیعی) واقع در محدوده مناطق چهارگانه که اسناد آن به نام دولت به نمایندگی سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری صادر شده است، از آنجایی که برخی وظایف و مسئولیت‌های قانونی سازمان مذکور حتی پس از وقوع در مناطق چهارگانه به قوت خود باقی خواهد ماند و نیز با عنایت به ابطال مصوبه سال ۱۳۸۴ هیات وزیران در خصوص صدور سند مناطق چهارگانه برای سازمان محیط زیست، ضرورتی به اصلاح سند اراضی ملی نبوده و اسناد آن همچنان، به نام سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور باقی می‌ماند. لیکن لازم است برای رفع ابهام از ماده ۹ قانون حدنگار یک تبصره به شرح زیر به آن ماده اضافه گردد:

- «اسناد اراضی ملی و منابع طبیعی موضوع قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع که در محدوده مناطق چهارگانه محیط زیست قرار گرفته یا می‌گیرند به نام دولت به نمایندگی سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور صادر شده یا می‌شود. این امر نافی اختیارات و وظایف قانونی سازمان حفاظت محیط زیست در مناطق مذکور نمی‌باشد».

پیشنهاد می‌شود جهت رفع ابهام از مسایل مرتبط با اقدامات قضایی و اداری و مشکلات فی‌مابین دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط، اصلاحات زیر در مقررات فعلی اعمال گردد:

- یک تبصره به ماده ۶ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست الحاق شود: «اقدامات حفاظتی و پیگیری‌های قضایی در خصوص اراضی ملی (منابع طبیعی) واقع در مناطق چهارگانه محیط زیست به‌عهده سازمان می‌باشد. این امر نافی

مناطق چهارگانه محیط زیست و چالش‌های مالکیت و حقوق مالکانه / ۶۹

نوسازی و تحول اداری وزارت جهاد کشاورزی، صفحه ۱۲.

مشهدی، ع. (۱۳۸۹) ترمینولوژی حقوق محیط‌زیست. تهران: انتشارات خرسندی، چاپ اول، صفحه ۱۱۲.
منصور، م.، حسینی صدرآبادی، ا. و کریمی، د. (۱۴۰۰) آثار حقوقی ناشی از تعیین مناطق چهارگانه محیط زیست بر مالکیت و حقوق مالکانه اراضی خصوصی و دولت. نشریه علمی تحقیقات حمایت و حفاظت جنگل‌ها و مراتع ایران، ۱۹(۲): ۳۸۴-۳۹۹.

کاتوزیان، ن. (۱۳۹۲) دوره مقدماتی حقوق مدنی: اموال و مالکیت، تهران: نشر میزان، چاپ بیست‌ویکم، شماره ۳۷، صفحه ۱۰.

کیس، آ.ج.، لانگ، و. و سند، پ. (۱۳۹۲) حقوق محیط‌زیست. مترجم محمدحسن حبیبی. تهران: دانشگاه تهران، جلد ۱، صفحه ۵.

مجنونیان، ه. (۱۳۷۶) بررسی طبقه‌بندی آی‌یوسی‌ان از پارک‌ها و مناطق حفاظت‌شده، مجله محیط‌شناسی دانشگاه تهران، ۱۸(۱۸): ۳۲-۳۲.

محقق، س.ع.، عظیمی، س.م. و ورداسبی، ا. (۱۳۹۴) پنج قانون محوری بخش کشاورزی و منابع طبیعی. مرکز

The four areas of the environment and the challenges of ownership and proprietary rights

Masood Mansoor¹, Iraj Hosseini Sadr Abadi^{2*} and Dariush Karimi³

- 1) Ph.D. Student of Environmental Management-Environmental Law, Faculty of Natural Resources and Environment, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
- 2) Assistant Professor, Department of Law, University of Judicial Science and Administrative Services, Tehran, Iran.
*Corresponding Author Email Address: Iraj.sadrabadi@gmail.com.
- 3) Assistant Professor, Faculty of Natural Resources and Environment, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Date of Submission: 2022/10/22

Date of Acceptance: 2023/01/08

Abstract

According to the law of hunting and fishing, the law of protection and improvement of the environment, and the conventions and regulations of the IUCN, some parts of the country are classified as four environmental areas (national parks, national natural monuments, protected areas, and wildlife refuges). By the end of 2021, a total of 309 areas with 18.9 million hectares, equivalent to 11.5% of the country's area, have been approved as four areas, which can be considered in the field of public ownership (Anfal), government, private or a combination of them and be exploited with a specific use. While examining the effect of determining the four regions on the ownership and its documents, the ownership rights and exploitation, the adequacy or inadequacy of the existing regulations that need to be amended or supplemented to the system has been investigated. The relevant executives should follow up their approval process through the Islamic Council or the Board of Ministers, it is suggested as follows: Adding two notes to articles 2 to 5 and one note to article 12 of the Executive Regulations of the Environmental Protection and Improvement Law; Adding a note to Article 6 of the aforementioned law; Adding a note to Article 9 of Hadnagar Law; Amendment of Note 4, Article 31 of the Law on Protection and Exploitation of Forests and Ranges. The result shows that if these suggestions are applied, the ambiguities and challenges related to obtaining the ownership documents of natural resources located in the four regions and the system of its exploitation along with the problems between the two organizations of Environmental Protection and Natural Resources and Watershed Management regarding judicial and administrative measures, especially issues related to damages caused by public and construction projects in the mentioned areas, will be resolved.

Keywords: Amendment of regulations, Exploitation, Four regions, Ownership document, Property rights.